

مقابله با فقر: ایجاد فرصت، اعطای قدرت و تأمین امنیت^۱

دکتر محسن مهرآرا^۲

چکیده

این مقاله تلخیصی از گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۱ است. بانک جهانی در این سال گزارش سالانه خود را به فقر اختصاص داده است. گزارش مذکور با عنوان «مقابله با فقر: ایجاد فرصت، اقتدارسازی و تأمین امنیت» با رویکرد نوین، پدیده فقر در کشورهای در حال توسعه را مبتنی بر میراث نهادی و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این کشورها مورد توجه قرار می‌دهد.

فقر آزادی عمل و انتخاب کم‌تری دارند و نسبت به بیماری‌ها، نوسانات اقتصادی و حوادث طبیعی به شدت آسیب پذیرند. آن‌ها تنها به روش‌های درمانی نامناسب که دولت یا نهادهای غیرانتفاعی ارائه می‌کنند دسترسی داشته و در فرایند تصمیم‌گیرهایی که شیوه زندگی آن‌ها را متأثر می‌سازد هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند.

۱. این مقاله تلخیصی از گزارش زیر می‌باشد:

World Bank: World Development Report 2000/2001: Attacking Poverty, Oxford University Press.

۲. پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

یا نهادهای غیرانتفاعی ارائه می‌کنند دسترسی داشته و در فرایند تصمیم‌گیرهایی که شیوه زندگی آن‌ها را متأثر می‌سازد هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند.

برای آن‌هایی که در فقر به سر می‌برند، فرار از آن غیرممکن به نظر می‌رسد. اما برای جامعه این موضوع غیرممکن نیست. فقر محصول فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در تعامل با یکدیگر بوده و به طور مضاعف همدیگر را در جهت محرومیت بیش‌تر فقرا تشدید می‌کنند. دارایی‌های کم، بازارهای غیرقابل دسترس و کمبود فرصت‌های شغلی مردم را در تله فقر مادی نگه می‌دارد. به همین دلیل ارتقای فرصت‌ها از طریق تحریک رشد اقتصادی، بهبود عملکرد بازارها برای فقرا و افزایش دارایی آن‌ها برای کاهش فقر اهمیت اساسی دارد.

اما موارد مذکور تنها بخشی از مشکل است. در شرایطی که قدرت سیاسی به طور نامتعادلی توزیع شده و نتیجه آن توزیع نامتعادل قدرت اقتصادی است، نهادهای دولتی ممکن است روی مساعدی نسبت به مردم فقیر نشان ندهند. برای مثال فقرا عموماً نمی‌توانند از مزایای سرمایه‌گذاری عمومی روی بهداشت و آموزش برخوردار شوند. آن‌ها اغلب قربانیان فساد و رویه‌های خودسرانه در بخش‌های دولتی هستند. شرایط فقر تا حد زیادی متأثر از هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها و رویه‌های مرسوم قرار دارد که درون خانواده، جامعه یا بازار منتهی به محرومیت زنان، گروه‌های نژادی، اقلیت‌ها و افرادی می‌شود که از لحاظ اجتماعی در شرایط عدم مزیت قرار دارند. به همین دلیل ارتقای قدرت (سیاسی) فقرا از طریق پاسخگویی بیش‌تر دولت و نهادهای اجتماعی به آن‌ها دارای اهمیت اساسی در کاهش فقر محسوب می‌شود.

آسیب‌پذیری نسبت به حوادث غیرقابل کنترل مانند بیماری، خشونت، تکانه‌های اقتصادی، بدی آب و هوا، و مصائب طبیعی فقر مادی را تشدید کرده و موقعیت چانه‌زنی فقرا را تضعیف می‌کند. به همین دلیل، ایجاد امنیت برای فقرا، از طریق کاهش خطر حوادثی مانند جنگ، بیماری، بحران‌های اقتصادی و مصائب طبیعی از عوامل کلیدی کاهش فقر به حساب می‌آید. به همین ترتیب کاهش آسیب‌پذیری فقرا نسبت به خطرها و

ایجاد ساز و کارهایی برای کمک به آن‌ها در مقابل تکانه‌های شدید حائز اهمیت اساسی است.

فقر در یک جهان نابرابر

جهان هم اکنون با وجود رونق و فراوانی از فقر عمیقی رنج می‌برد. از ۶ میلیارد نفر جمعیت جهان ۲/۸ میلیارد نفر (حدود نیمی از آن) با کم‌تر از ۲ دلار در روز و ۱/۲ میلیارد نفر (حدود یک پنجم آن) با کم‌تر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند که ۴۴ درصد گروه اخیر در آسیای جنوبی به سر می‌برند. در کشورهای غنی از هر ۱۰۰ نوزاد متولد شده کم‌تر از یک نفر در پنج روز اول جان خود را از دست می‌دهد، در حالی که برای فقیرترین کشور دنیا این رقم به یک پنجم کودکان می‌رسد. به علاوه در کشورهای ثروتمند کم‌تر از ۵ درصد کودکان زیر پنج سال و در کشورهای فقیر ۵۰ درصد آن‌ها دچار سوء تغذیه هستند.

علی‌رغم آن‌که وضعیت انسانی، ثروت جهانی، ارتباطات بین‌المللی و ظرفیت‌های فناوری در قرن گذشته بهبود یافته است، اما همچنان فقر تداوم دارد و توزیع ثروت و منافع در جهان شدیداً نابرابر است. درآمد متوسط در غنی‌ترین ۲۰ کشور دنیا ۳۷ برابر متوسط درآمد در فقیرترین ۲۰ کشور دنیا است. این شکاف در طول ۴۰ سال گذشته دو برابر شده است. تجربه مناطق مختلف جهان بسیار متفاوت است. در آسیای شرقی تعداد افرادی که با کم‌تر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند از حدود ۴۲۰ به حدود ۲۸۰ میلیون نفر بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۸ (حتی پس از بحران مالی) کاهش یافت. اما در امریکای لاتین، جنوب آسیا و صحرای افریقا تعداد فقرا افزایش یافته است. در کشورهای آسیای مرکزی و اروپایی تعداد افرادی که با کم‌تر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند در انتقال به اقتصاد بازار به بیش از دو برابر افزایش یافت.

در کشورهای مختلف دنیا پیشرفت‌ها و پسرفت‌های مهمی در شاخص‌های غیر درآمدی فقر مشاهده می‌شود. هند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در ثبت نام دختران در مدارس داشته

است. در توسعه یافته‌ترین ایالت هند، کرالا^۱، امید به زندگی بیش‌تر از مناطق دیگر و درآمد سرانه به مراتب بالاتر (مانند واشنگتن دی. سی) است. هنوز در برخی کشورهای افریقایی مانند بوتسوانا^۲ و زیمبابوه^۳ یک چهارم بزرگسالان از بیماری ایدز رنج برده و کودکان مبتلا بار سنگینی را به نظام‌های حمایتی رسمی و سنتی تحمیل کرده‌اند. به علاوه، بسیاری از منافع حاصل از افزایش امید به زندگی که از اواسط قرن بیستم به دست آمد به زودی از بین خواهد رفت. نرخ مرگ و میر کودکان نیز در مناطق مختلف بسیار متفاوت است. این نرخ در صحرای افریقا پانزده برابر کشورهای با درآمد بالا است. لذا کشورها شرایط به شدت متفاوتی را در مورد شاخص‌های غیردرآمدی فقر تجربه می‌کنند.

تفاوت‌های مذکور در داخل کشورها و همچنین برای اقلیت‌های قومی و نژادی قابل توجه است. مناطق مختلف یک کشور با درجات متفاوتی از رشد اقتصادی منتفع می‌شوند. به‌طور مثال در مکزیک فقر عمومی در اوایل دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت. هرچند که در منطقه فقیرنشین جنوب شرقی آن فقر افزایش یافت. نابرابری‌ها در میان گروه‌های مختلف نژادی و قومی نیز مشهود است. در برخی کشورهای افریقایی نرخ مرگ و میر نوزادان در میان گروه‌های قدرتمند سیاسی کم‌تر است. در کشورهای امریکای لاتین دوره‌های تحصیلی گروه‌های بومی کم‌تر از دو سوم گروه‌های غیربومی است. زنان نیز همواره با محرومیت‌های بیش‌تری نسبت به مردان مواجهند. در آسیای جنوبی سال‌های تحصیلات برای مردان حدود دو برابر زنان و نرخ ثبت نام زنان در دبیرستان تنها دوسوم مردان است.

استراتژی کاهش فقر

رویکرد کاهش فقر در طول ۵۰ سال گذشته با توجه به درک عمیق‌تر ما از پیچیدگی‌های توسعه اقتصادی تغییر کرده است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در تأسیسات فیزیکی و زیربناها، اقدامات اولیه برای توسعه محسوب می‌شد؛ اما در دهه ۱۹۷۰

1. Kerala.
2. Botswana.
3. Zimbabwe.

بسیاری معتقد بودند که سرمایه فیزیکی کافی نیست و بهداشت و آموزش نیز حداقل به همان اندازه با اهمیت است. در گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۸۰ آمده است که آموزش و بهداشت نه تنها به سهم خود دارای اهمیت هستند بلکه سبب بهبود درآمد فقرا نیز می‌شوند. در دهه ۱۹۸۰ با توجه به بحران بدهی‌ها، رکود جهانی و تجربیات کاملاً متفاوت امریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی تأکید بر ارتقای مدیریت اقتصادی و افزایش نقش ساز و کار بازار جانشین رویکردهای سابق شد. گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۰ با عنوان «فقر» یک استراتژی دو محوری را توصیه می‌کند:

۱. تشویق رشد فعالیت‌های کاربر از طریق آزادسازی‌های اقتصادی.

۲. سرمایه‌گذاری در زیربناها و ارائه خدمات اولیه بهداشتی و آموزشی به فقرا.

در دهه ۱۹۹۰ حاکمیت و نهادها و همچنین آسیب‌پذیری در سطوح ملی و محلی مورد توجه ویژه قرار گرفتند. گزارش حاضر که در پرتو تجربیات انباشته شده دهه قبل و همچنین محیط نوین جهانی تهیه شده است استراتژی مبارزه با فقر را مبتنی به سه روش زیر پیشنهاد می‌کند:

۱. ارتقای فرصت‌ها؛

۲. تسهیل اقتدار؛^۱

۳. بهبود امنیت.

ارتقای فرصت‌ها

فراهم آوردن فرصت‌های مادی برای فقرا مانند شغل، اعتبار، جاده، برق، بازارهایی برای محصولات آن‌ها و همچنین آموزش‌های تحصیلی، آب، تأسیسات فاضلاب و خدمات بهداشتی که سلامتی و مهارت‌های آن‌ها را بهبود می‌بخشد از مؤلفه‌های استراتژی کاهش فقر به شمار می‌آید. علاوه بر رشد اقتصادی، کیفیت رشد اقتصادی نیز برای تولید چنین فرصت‌هایی دارای اهمیت بسیار است. اصلاحات مربوط به بازارها می‌تواند محور توسعه

1. Empowerment.

فرصت‌ها برای فقرا به حساب آید. اما این اصلاحات باید متناسب با شرایط ساختاری و نهادی هر منطقه صورت گیرد. لازم است ساز و کارهای موردنیاز را برای ایجاد فرصت‌های جدید و جبران آسیب‌دیدگان بالقوه در دوره انتقال پیش‌بینی نمود. در جوامعی با نابرابری‌های شدید درآمدی توزیع متعادل‌تر درآمدها به منظور کاهش سریع فقر دارای اهمیت ویژه‌ای است. برای این منظور انباشت دارایی‌های فقرا (سرمایه‌های انسانی و فیزیکی) و دسترسی بیش‌تر به دارایی‌های زیربنایی^۱ ضروری است.

تسهیل اقتدار

اتخاذ تدابیر عمومی در واکنش به نیاز فقرا محصول تعامل فرایندهای سیاسی، اجتماعی و نهادی در یک جامعه است. دسترسی به فرصت‌های بازار و خدمات بخش عمومی بستگی به آن دارد که تا چه حد نهادهای اجتماعی و دولتی به مسائل فقرا واکنش نشان داده و نسبت به آن‌ها پاسخگو هستند. تحقیقات اقتصادی نشان می‌دهد که فقرا هر چند کارگزاران فعالی محسوب می‌شوند اما قدرت لازم را برای تأثیرگذاری بر عوامل اقتصادی و اجتماعی که رفاه آن‌ها را تعیین می‌کند ندارند. میزان دسترسی، احساس مسئولیت و پاسخگویی مقولاتی سیاسی بوده و مستلزم همکاری فعال میان فقرا، طبقه متوسط و دیگر گروه‌های جامعه هستند. این همکاری را می‌توان با تقویت مشارکت فقرا در فرایندهای سیاسی و تصمیم‌گیری محلی، افزایش پاسخگویی و همچنین تغییرات حاکمیتی که منجر به کارآمدتر شدن مدیریت عمومی، نهادهای قانونی و تحویل خدمات عمومی می‌شود تسهیل کرد. همچنین برطرف کردن موانع نهادی و اجتماعی که در نتیجه تبعیضات جنسی، نژادی و اجتماعی حاصل می‌شود دارای اهمیت ویژه‌ای است. نهادهای واکنش دهنده، پاسخگو و سالم نه تنها برای بهبود وضعیت فقرا بلکه برای فرایند رشد عمومی اقتصادی بسیار اساسی محسوب می‌شوند.

1. Infrastructure Assets.

بهبود امنیت

کاهش آسیب پذیری در برابر تکانه‌های اقتصادی، مصائب طبیعی، بیماری، عدم توانایی و خشونت‌های شخصی، مؤلفه‌های اساسی افزایش رفاه و تشویق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فعالیت‌های پر بازده همراه با ریسک بیش‌تر محسوب می‌شود. این موضوع مستلزم اقدام ملی مؤثر برای مدیریت نوسانات اقتصادی و پیش‌بینی ساز و کارهای لازم برای کاهش خطرات بیماری، جوی و سایر رویدادهای طبیعی، که فقرا را بیش از سایر گروه‌ها متأثر می‌سازد، است. به علاوه انباشت دارایی‌های فقرا، تنوع فعالیت‌های خانواده و فراهم کردن مجموعه‌ای از ساز و کارهای بیمه‌ای برای مقابله با تکانه‌های شدید - از کار در مؤسسات عمومی^۱ تا برنامه‌های اقامت در مدارس^۲ و بیمه‌های بهداشتی - ضروری است.

میان موارد فوق اولویت بندی ویژه‌ای وجود ندارد. اجزای این استراتژی کاملاً مکمل یکدیگرند. هر بخش از استراتژی، عوامل زمینه ساز فقر را که چاره جویی آن به دو مؤلفه دیگر نیز مربوط می‌شود تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال ارتقای فرصت‌ها از طریق دسترسی به بازار و دارایی‌ها منجر به افزایش استقلال و اقتدار فقرا و تقویت موقعیت چانی‌زنی آن‌ها در مقابل دولت و جامعه می‌شود. به علاوه، در این شرایط امنیت فقرا نیز بهبود می‌یابد، زیرا دارایی‌های کافی برای فقرا به عنوان یک ضربه گیر در مقابل تکانه‌های شدید عمل می‌کند. به طور مشابه، تقویت نهادهای دمکراتیک و افزایش اقتدار زنان و گروه‌های نژادی و قومی که در موقعیت عدم مزیت قرار گرفته‌اند فرصت‌های اقتصادی برای فقرا را بهبود می‌بخشند. تقویت سازمان‌های مربوط به فقرا علاوه بر کمک به تأمین ارائه خدمات به آن‌ها، حساسیت به نیازهای فقرا را در سیاست‌گذاری افزایش داده و همچنین منجر به کاهش فساد و رویه‌های سلیقه‌ای در اقدامات دولتی می‌شود. اگر فقرا نظارت و کنترل بیش‌تری به ارائه خدمات اجتماعی به مردم محلی داشته باشند، احتمالاً در طول بحران از هزینه‌های عمومی به نحو مؤثرتری بهره‌مند می‌شوند. بالاخره کمک به فقرا برای مقابله با تکانه‌ها و مدیریت ریسک‌ها آن‌ها را در موقعیت بهتری برای برخورداری از

1. Public Work.

2. Stay - in - School Programs.

فرصت‌های جدید بازار قرار می‌دهد. به همین دلیل این گزارش از یک رویکرد جامع برای مقابله با فقر حمایت می‌کند.

از استراتژی تا عمل

هیچ‌گونه طرح ساده و جهانشمولی برای اجرای این استراتژی وجود ندارد. کشورهای در حال توسعه باید با توجه به اولویت‌های ملی و مقتضیات محلی ترکیبی از سیاست‌ها را برای کاهش فقر اتخاذ نمایند. انتخاب‌ها بستگی به محیط فرهنگی، ساختاری، سیاسی - اجتماعی و اقتصادی هر کشور یا در واقع هر منطقه و جامعه دارد. اگرچه رویکرد جامعی در این گزارش برای کاهش فقر پیشنهاد می‌شود اما اولویت‌ها باید در هر مورد مبتنی بر منابع و ظرفیت‌های نهادی تعیین شود. ممکن است بتوان برخی جنبه‌های محرومیت را کاهش داد در حالی که جنبه‌های دیگر بهبود نیابد. به طور مثال با مراقبت‌های اولیه بهداشتی می‌توان نرخ مرگ و میر کودکان را به طور محسوسی کاهش داد، هر چند که درآمد فقرا ممکن است هیچ تغییری ننماید. اما انجام اقداماتی در سه مورد فرصت، اقتدار و امنیت عموماً ضروری است زیرا آن‌ها مکمل یکدیگرند.

اقدامات کشورهای توسعه یافته و سازمان‌های بین‌المللی نیز دارای اهمیت زیادی است. بسیاری از عواملی که زندگی فقرا را تحت تأثیر قرار می‌دهند خارج از کنترل آن‌ها هستند. کشورهای در حال توسعه به تنهایی قادر نیستند در مواردی همچون ثبات مالی بین‌المللی، تحقیقات کشاورزی، پیشرفت‌های پزشکی و فرصت‌های تجاری بین‌المللی اقدامات مؤثری را انجام دهند. در این زمینه تداوم اقداماتی از طرف جامعه بین‌الملل و همچنین همکاری‌های توسعه ضروری است. در ادامه برخی اقدامات لازم برای مقابله با فقر در سطح ملی پیشنهاد می‌گردد.

ایجاد فرصت

نهادهای و سیاست‌های اصلی برای ایجاد فرصت‌های بیش‌تر متضمن اقداماتی تکمیلی در جهت تحریک رشد عمومی اقتصاد، دسترسی فقرا به بازارها، انباشت دارایی آن‌ها و همچنین مقابله با نابرابری‌های نهادینه شده در توزیع امکانات اولیه مانند تحصیلات است.

تشویق سرمایه‌گذاری مؤثر خصوصی

سرمایه‌گذاری و ابداعات فناوری محرک‌های اصلی رشد اشتغال و درآمد نیروی کار محسوب می‌شوند. افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی مستلزم کاهش خطر سرمایه‌گذاری از طریق سیاست‌های پولی و مالی باثبات، رژیم‌های سرمایه‌گذاری پایدار، نظام‌های مالی سالم و محیط اقتصادی شفاف است. به علاوه، تضمین حاکمیت قانون، مقابله با فساد و اصلاح محیط‌های اقتصادی که مبتنی بر انحصارات رانت‌جویانه، معاملات ویژه، اعطای یارانه به سرمایه‌گذاران بزرگ و تبانی و پرداخت رشوه عمل می‌کنند نیز برای توسعه سرمایه‌گذاری دارای اهمیت بسیار است.

انگیزه سیاست‌گذاران برای اصلاحات معطوف به بازار به نفع فقرا بسیار ناچیز بوده است. زیرا بازارهایی که فقرا در آن فعالیت می‌نمایند بسیار کوچک است و اصلاحات مربوط، هر چند می‌تواند تأثیر بسزایی برای کاهش فقر داشته باشد اما توجه سیاست‌گذاران را به سمت خود جلب نمی‌کند. به منظور ایجاد اطمینان از آن‌که کارآفرینان و بنگاه‌های کوچک (که دسترسی کم‌تری به رانت‌ها و امتیازات ملی دارند و نسبت به فشارهای بوروکراتیک آسیب‌پذیرند) به طور مؤثر در بازارها مشارکت کنند اقدامات ویژه‌ای مورد نیاز است. از جمله این اقدامات افزایش دسترسی این گروه‌ها به اعتبارات از طریق تعمیق مالی^۱ و کاهش

۱. بهبود دسترسی فقرا به بازارهای مالی به خصوص از طریق روش‌هایی که به تأمین مالی در سطح خرد (Microfinance) شهرت دارد امکان‌پذیر است. روش‌های سنتی مداخله دولت به شکل هدف‌گیری اعتبارات یارانه‌ای به سمت فقرا در نهادهای مالی دولتی نتایج رضایت‌بخشی حاصل نموده است. این نهادهای مالی عموماً ورشکسته یا متحمل زیان‌های بالایی شده و انحراف نرخ‌های بهره یارانه‌ای به عملکرد بازارهای مالی آسیب رسانده و گروه‌های هدف نیز از این منابع برخوردار نشده‌اند. اما در روش‌های نوین تأمین مالی، خدمات مالی متناسب با نیاز فقرا

منابع شکست بازار، کاهش مقررات سنگین خصوصاً برای بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی کوچک (که اغلب مردم فقیر در آنجا شاغل هستند)، تشویق استانداردهای اولیه کار (مانند آزادی تشکل‌ها، حق چانه زنی گروهی، حذف کار اجباری، ممنوع ساختن کار کودکان و تبعیض شغلی)، پایین آوردن هزینه‌های معاملاتی رسیدن به بازارهای صادراتی از طریق فناوری اینترنت، سازماندهی نمایشگاه‌های صادراتی، ارائه آموزش‌های متناسب با تجارت مدرن و ایجاد راه‌های ارتباطی برای کاهش موانع فیزیکی است. فراهم آوردن یک محیط تجاری مناسب برای خانوارهای فقیر و بنگاه‌های کوچک ممکن است مستلزم مقررات زدایی و اصلاحات نهادی مکمل مانند کاهش محدودیت‌های بخش غیررسمی (به خصوص برای زنان)، رفع مشکلات دهقانی و موانع سرمایه‌گذاری‌های کوچک باشد. به منظور تقویت رقابت و ایجاد فرصت‌های بازاری جدید، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی باید توسط سرمایه‌گذاری عمومی کامل گردد. به ویژه سرمایه‌گذاری‌های عمومی مکمل برای توسعه تأسیسات زیربنایی و ارتباطات و تقویت مهارت‌های نیروی کار با اهمیت تلقی می‌شوند.

ورود به بازارهای بین‌المللی

بازارهای بین‌المللی فرصت‌های مناسبی برای ایجاد شغل و رشد درآمد در بخش‌های کشاورزی، صنعتی و خدمات فراهم می‌آورند. تمامی کشورهایی که شاهد کاهش‌های قابل توجهی در فقر (درآمدی) بوده‌اند از تجارت بین‌الملل استفاده کرده‌اند. اما از آزادسازی تجارت خارجی عده‌ای زیان و عده‌ای نفع می‌برند و تنها زمانی که کشورها زیربنای و نهادهای لازم را برای واکنش مؤثر عرضه (به تقاضای خارجی) داشته باشند قادر خواهند بود منافعی را از ورود به بازارهای جهانی کسب نمایند. بنابراین، آزادسازی مستلزم بریت مناسب این فرایند با توجه خاص به ویژگی‌ها و تنگناهای نهادی کشور

انحای ابداعی گروهی اعطا می‌شود. این وام‌ها براساس اصول اقتصادی صحیح به گروه‌ها و افراد
بسی بهره‌هزینه عملیات را پوشش می‌دهد.

است. توالی سیاست‌ها باید ایجاد مشاغل جدید را تشویق و کاهش اجتناب‌ناپذیر اشتغال در برخی بخش‌ها را مدیریت کند. سیاست‌های آزادسازی که منافع آن عمدتاً نصیب فقرا می‌شود، الزاماً یک فرایند آزادسازی کند نیست. حرکت سریع ممکن است فرصت‌های بیش‌تری را برای فقرا ایجاد کند. به علاوه لازم است هزینه‌هایی که به طور موقتی در فرایند گذار به فقرا تحمیل می‌شود با اقدامات و سیاست‌های صریح جبران گردد. به طور مثال، کمک‌های دولت به تولیدکنندگان کوچک ذرت در مکزیک به هنگام پیوستن به پیمان تجارت آزاد امریکای شمالی^۱ از آن جمله به شمار می‌آید.

به منظور کاهش آسیب‌پذیری نسبت به جریان‌های ورود و خروج سرمایه، باز کردن حساب سرمایه - همپای توسعه بخش مالی داخلی - باید به دقت مدیریت شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بلندمدت پیامدهای خارجی^۲ مثبتی مانند انتقال دانش فنی به همراه دارد، اما جریان‌های کوتاه مدت سرمایه، دارای پیامدهای خارجی منفی همچون بی‌ثباتی‌های مالی است. لذا اقداماتی برای مقابله با این آثار خارجی منفی باید پیش‌بینی گردد.

انباشت دارایی‌های فقرا

ایجاد دارایی‌های مالی، طبیعی، فیزیکی و انسانی برای فقرا مستلزم سه دسته اقدامات است: اول، هزینه‌های عمومی به ویژه عرضه خدمات اولیه اقتصادی و اجتماعی باید متمرکز بر فقرا بوده و به علاوه محدودیت‌های طرف تقاضا برای فقرا برداشته شود (به طور مثال، از طریق ارائه بورس‌های تحصیلی به فرزندان خانواده‌های فقیر). در واقع مهم‌ترین ابزار برای افزایش دارایی فقرا لوایح بودجه سنواتی است. به طور مثال شواهد موجود نشان می‌دهد که افزایش هزینه‌های عمومی روی آموزش و بهداشت حالت تصاعدی (به نفع گروه‌های درآمدی بالاتر) ندارد و به لحاظ فنی نیز امکان‌پذیر است. به علاوه چنین شیوه‌هایی برای توزیع مجدد هزینه‌های دولت منجر به ارتقای رشد و بهره‌وری نیز می‌گردد. دوم، لازم است

1. North American Free Trade Agreement (NAFTA).

2. Externality.

نسبت به کیفیت مطلوب خدمات از طریق اقدامات نهادی همچون اصلاح عوامل حاکمیتی^۱ در ارائه خدمات و همچنین استفاده مؤثر و کارآمد از بازارها و آزادس‌های مربوط ایجاد اطمینان شود. لذا اصلاحات در ارائه خدمات عمومی مانند آموزش‌های تحصیلی یا خصوصی‌سازی به شیوه‌ای که متضمن گسترش خدمات برای گروه‌های فقیر باشد - مانند خدمات آبرسانی - از مؤلفه‌های اساسی در بهبود کیفیت خدمات به فقرا محسوب می‌شوند. سوم، باید از مشارکت جوامع و خانوارهای فقیر در انتخاب، اجرا و نظارت بر خدمات استفاده کرد به طوری که ارائه‌کنندگان خدمات در مقابل فقرا پاسخگو باشند. چنین اقداماتی در پروژه‌های السالوادور، اوگاندا انجام شده است. برنامه‌های افزایش دارایی‌های فقرا شامل گسترش تحصیلات پایه با همکاری والدین و مردم منطقه، برنامه‌های اقامت در مدارس، برنامه‌های تغذیه، طرح‌های بهداشتی مانند واکسیناسیون و بهداشت مادر و کودک و حفاظت از منابع آبی و دیگر عناصر محیط طبیعی نیز می‌شود.

بسیاری از این اقدامات در مناطق مختلف به طور قابل توجهی مکمل یکدیگرند. زیرا ارتباط نزدیکی بین دارایی‌های فیزیکی و انسانی وجود دارد. به طور مثال، بهبود دسترسی فقرا به انرژی و حمل و نقل، امکان تحصیل و بازدهی آن را افزایش می‌دهد. بهبود محیط‌زیست نیز آثار قابل ملاحظه‌ای بر کاهش فقر دارد. در واقع کاهش آلودگی‌های آب و هوا آثار با اهمیت بر بیماری‌های فقرا مانند مشکلات گوارشی کودکان و عفونت‌های تنفسی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. عوامل حاکمیتی به کیفیت ارتباط میان کارفرما و پیمانکار، رئیس و مرئوس یا مالک و مدیر (Principle Agent) دارد. چنانچه کارفرما، رئیس یا مالک قادر به نظارت و اعمال حاکمیت مؤثر بر رفتار مجری نباشد، فساد و عدم کارایی در حوزه اجرا گسترش می‌یابد.

کاهش نابرابری دارایی میان مردان و زنان و گروه‌های مختلف اجتماعی و نژادی

در هر منطقه برای مقابله با نابرابری در دارایی اقدامات ویژه‌ای مورد نیاز است. گرچه مشکلات اقتصادی و اجتماعی اغلب مانع تغییر می‌گردد، اما سازوکارهای متعددی را می‌توان نام برد که از طریق هزینه‌های عمومی، تغییرات نهادی و رویه‌های مشارکتی نتایج سودمندی حاصل کرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به تشویق ثبت‌نام دختران در مدارس از طریق کمک‌های نقدی یا تأمین غذا در بنگلادش، برزیل و مکزیک، به استخدام گرفتن معلمان زن در مدارس پاکستان و اصلاحات ارزی مورد توافق برای حمایت از کشاورزان کوچک در برزیل و فیلیپین اشاره کرد فراهم آوردن تسهیلات اعتباری کوچک یا تأمین مالی فرد برای زنان فقیر، از جمله ساز و کارهای دیگر محسوب می‌شوند.

فراهم آوردن امکانات زیربنایی و دانش برای مناطق فقیر (شهری و روستایی)

مقابله با محرومیت‌هایی که فقرا در مناطق فقیرنشین با آن مواجه هستند، مستلزم تمهیدات عمومی و اتخاذ طیفی از رویکردهای مشارکتی و نهادی است. ارائه تسهیلات زیربنایی در مناطق فقیر و دورافتاده شامل حمل و نقل، شبکه‌های ارتباطی، مدارس، خدمات بهداشتی و برق رسانی و همچنین تأمین خدمات شهری اولیه در مناطق فقیر شهرنشین در سطحی گسترده از جمله این موارد محسوب می‌شوند. به علاوه توسعه دسترسی روستاهای فقیر به اطلاعات به منظور مشارکت آن‌ها در بازارها و نظارت بر عملکرد دولت محلی اهمیت بسیار دارد.

مقتدرسازی

رشد اقتصادی بالقوه و کاهش فقر تا حد زیادی متأثر از نهادهای اجتماعی و دولتی است. بهبود عملکرد این نهادها و دولت با کاهش محدودیت‌های اجتماعی و دیوان‌سالاری،

برابری و رشد را ارتقا می‌بخشند. اما طراحی و اجرای این تغییرات، به خصوص زمانی که ارزش‌های اجتماعی و منافع مستحکم و ریشه‌دار برخی گروه‌ها را به خطر می‌اندازد مستلزم اراده سیاسی قوی است. دولت‌ها باید آگاهی‌های لازم را در خصوص بازدهی اجتماعی بالای حاصل از هزینه‌های کاهش فقر ایجاد نمایند تا در فرایند چانه‌زنی حمایت سیاسی لازم را برای چنین اقداماتی به دست آورند.

ایجاد مبانی قانونی و سیاسی برای توسعه فراگیر

نهاد‌های دولتی باید در برابر همه، باز و پاسخگو باشند. این موضوع به مفهوم وجود نهاد‌های شفاف با سازوکارهای مشارکتی و دمکراتیک برای تصمیم‌گیری و نظارت بر اجرا است که بانظام‌های قانونی سازگار با رشد اقتصادی و برابری حمایت می‌شوند. از آنجایی که فقرا فاقد منابع و اطلاعات لازم برای دسترسی به سیستم‌های قانونی هستند اقداماتی مانند کمک قانونی و توزیع اطلاعات در مورد رویه‌های قانونی (مانند سازمان ASK^۱ در بنگلادش) ابزارهای نیرومندی برای ایجاد دستگاه‌های قانونی پاسخگو و فراگیرتر محسوب می‌شوند.

اصلاح نظام مدیریت اجرایی در جهت تقویت رشد و بهره‌وری

مدیریت‌های اجرایی در بخش عمومی که سیاست‌ها را به طور کارآمد، عاری از فساد و بروکراسی پیچیده اجرا می‌نمایند ارائه خدمات عمومی را بهبود بخشیده و رشد بخش خصوصی را تسهیل می‌کنند. نظام‌های انگیزه‌ای مناسب به منظور ایجاد پاسخگویی و حسابداری مدیریت‌های اجرایی ضروری است. دسترسی به اطلاعاتی مانند ارقام بودجه، ساز و کارهای بودجه‌ای مشارکتی و رتبه‌بندی خدمات عمومی برحسب عملکرد از جمله مواردی هستند که ظرفیت شکل‌دهی و نظارت بر عملکرد بخش عمومی را تقویت کرده و همزمان فرصت‌ها و دامنه فساد را کاهش می‌دهند. اصلاح مدیریت‌های اجرایی در بخش

1. Ain-o-Salish Kendra.

عمومی و نهادهای دیگری مانند نیروی انتظامی در جهت افزایش حسابدگی و پاسخگویی آنها به فقرا، اثر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی روزمره آنها دارد.

تشویق تمرکززدایی فراگیر و توسعه منطقه‌ای

عدم تمرکز می‌تواند منجر به نزدیک‌تر شدن آژانس‌های خدماتی به گروه‌ها و مناطق فقیر شود و در نتیجه کنترل مردم را بر خدماتی که مستحق آن هستند افزایش دهد. این موضوع مستلزم تقویت ظرفیت‌های محلی، تفویض اختیار و انتقال منابع مالی به آنها است. به علاوه برای جلوگیری از به انحصار درآمدن تصمیمات توسط نخبگان محلی^۱ اتخاذ اقداماتی ضروری است. عدم تمرکز می‌باید با ساز و کارهای مؤثری برای مشارکت عمومی و نظارت مردم بر سازمان‌های دولتی همراه شود. نحوه استفاده از منابع و اجرای پروژه‌ها می‌باید براساس علائق و انتخاب منطقه تعیین شود. خانوارها و مردم مناطق را به شیوه‌های مختلفی می‌توان در فعالیت‌های بخش درگیر کرد. همراهی مصرف‌کنندگان در تأمین و عرضه آب و همچنین آبیاری و مشارکت خانواده‌ها در آموزش مدارس از جمله این موارد هستند.

تشویق برابری میان زنان و مردان

روابط نابرابر میان زنان و مردان هر چند بخشی از مقوله وسیع‌تر نابرابری‌های اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای بشری است، اما این نابرابری اهمیت بسیار دارد و باید بر آن تأکید ویژه‌ای شود. گرچه در جوامع مختلف الگوی نابرابری میان زنان و مردان متفاوت است، اما در تمامی کشورها اکثریت زنان و دختران قدرت و کنترل نسبی کم‌تری بر منابع مادی دارند و لذا در موقعیت عدم مزیت بیش‌تری در مقایسه با مردان قرار گرفته‌اند. به علاوه آنها اغلب با ناامنی به مراتب بیش‌تری (به خصوص پس از مرگ همسرانشان) مواجهند.

1. Elites.

بنابراین، زنان فقیر در معرض آسیب‌ها و محرومیت‌های بیش‌تری قرار می‌گیرند. عدم استقلال زنان نیز پیامدهای منفی ناگواری بر آموزش و بهداشت فرزندان آن‌ها دارد. برابری بیش‌تر میان زنان و مردان نه تنها در حق خود مطلوب تلقی می‌شود، بلکه منافع اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن برای کاهش فقر نیز بسیار بااهمیت است. تجارب حاصله نشان می‌دهند که ترکیبی از تمهیدات سیاسی، قانونی به همراه اقدامات مستقیم بخش عمومی برای رفع این مشکل مورد نیاز است. ۳۲ کشور (از آرژانتین تا هند) اقداماتی را برای تشویق نمایندگی زنان در مجالس و انجمن‌های ملی و محلی اتخاذ کرده‌اند. بدین ترتیب انتظار می‌رود توانایی مشارکت زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و زندگی عمومی ارتقا یابد. برخی از کشورها نیز جهت‌گیری‌های نابرابر قوانین به سمت جنسیت‌های خاص را تصحیح کرده‌اند. استفاده از منابع عمومی به منظور پرداخت یارانه به آموزش دختران در پاکستان و بنگلادش بازدهی اجتماعی بالایی داشته است.

کاهش موانع اجتماعی

نابرابری‌های اقتصادی که از طریق موانع اجتماعی تقویت می‌شوند خروج فقرا را از فقر دشوار می‌سازند. هنگامی که از تفاوت‌های اجتماعی بین گروه‌ها به منظور تداوم نابرابری در دسترسی به منابع مادی استفاده می‌شود، یک سلسله مراتب اجتماعی-سیاسی چسبنده ایجاد گردید، که موانع اجتماعی قدرتمندی را به طور صریح با هدف حفظ منافع گروه‌های برخوردار به وجود می‌آورند. آن‌ها محدودیت‌های بازدارنده‌ای را برای افراد ایجاد می‌کنند. برای فقرا که عموماً خطر گریزند و نزدیک به حاشیه بقا زندگی می‌کنند، تحمل عواقب خشم نخبگان (حاکمان) قدرتمند از طریق مبارزه با این موانع امکان‌پذیر نیست. به علاوه این لایه‌های چسبنده موانعی را نیز برای اقدام گروهی ایجاد می‌کنند. چنانچه توزیع قدرت در یک جامعه بیش از حد اریب باشد دورنمای اعتماد و همکاری ضعیف خواهد بود.

ساختارها و نهادهای اجتماعی چارچوب روابط سیاسی و اجتماعی را شکل می‌دهد و بسیاری از پویایی‌های ایجاد کننده و تداوم بخش فقر را تعیین می‌کند. ساختارهای اجتماعی نابرابر و بازدارنده برای تغییر شرایط فقرا مانند لایه‌بندی‌های طبقاتی و تبعیضات جنسی موانع عمده انعطاف پذیری فقرا به سمت طبقات بالاتر است. دولت‌ها می‌توانند با ترغیب بحث و گفتگو در مورد اعمال بازدارنده نسبت به ورود فقرا به موقعیتی بهتر^۱ و تعصبات اجتماعی با مشارکت و درگیری تمامی گروه‌ها (اعم از محرومین و ذی‌نفعان) کمک زیادی نمایند.

نابرابری‌های اجتماعی در روستاها کوشش برای مدیریت کالاهای عمومی مانند آب را تضعیف می‌کند. کنترل این منابع که در اختیار نخبگان روستا است می‌تواند به منظور تبعیض بیش‌تر در مقابل فقرا استفاده شود. یکی از آشکارترین نابرابری‌ها، دسترسی به زمین است. در اکثر کشورهای در حال توسعه نابرابری‌های بزرگ در دسترسی به زمین ارتقای موقعیت فقرا را از پایین هرم کشاورزی عملاً ناممکن می‌سازد. اصلاحات ارضی و کوشش‌های وسیع‌تر برای متنوع ساختن فرصت‌های اقتصادی می‌تواند این موانع را از میان بردارد و فقر روستایی را کاهش دهد. اما دولت‌ها عموماً منعکس کننده ساختارهای سیاسی نابرابری هستند که براساس آن شکل گرفته‌اند. به همین دلیل نیز اقداماتی مانند اصلاحات ارضی که به‌طور بالقوه می‌تواند نابرابری و کارایی اقتصادی را بهبود ببخشد حمایت سیاسی لازم را برای اجرای مؤثر آن به دست نمی‌آورد. ملی کردن دارایی‌های صنعتی کارایی اقتصادی را کاهش داده و به ندرت نیز برای فقرا مفید بوده است، اما زمینه‌های زیادی نیز وجود دارند که می‌توان کارایی اقتصادی و برابری را بهبود بخشید. به‌طور مثال تأمین زیربناها با هدف‌گیری فقرا، توسعه مدارس ابتدایی در مناطق روستایی فقیر، کارایی و برابری را هم زمان افزایش می‌دهد.

تبعیض و نابرابری اجتماعی در برخی موارد محصول صدای ضعیف برخی از این گروه‌های اجتماعی در رسانه‌ها و مراکز قدرت و تصمیم‌گیری است. این گروه‌ها در توزیع

کالاهای عمومی مورد تبعیض و بی‌توجهی قرار گرفته که منجر به دسترسی کم‌تر آنها به آموزش و بهداشت می‌شود. شکاف‌های اجتماعی (برحسب قوم، نژاد، زبان، مذهب و نظایر آن) را می‌توان با سازماندهی گروه‌ها در اجتماعات رسمی و غیررسمی، مدیریت خواسته‌های آن‌ها و افزایش نفوذشان در فرایندهای سیاسی (به جای برخوردهای تضعیف‌کننده با یکدیگر) کاهش داد. اقدامات دیگر شامل ترغیب حضور نماینده و صدای زنان و گروه‌های نژادی و قومی مورد تبعیض در سازمان‌های ملی و منطقه‌ای است.

حمایت از سرمایه‌های اجتماعی^۱ فقرا

هنجارها و شبکه‌های اجتماعی شکل با اهمیتی از سرمایه‌ها هستند که فقرا می‌توانند با استفاده از آن‌ها خود را از فقر خارج سازند. بنابراین حمایت از شبکه‌های مردم فقیر، تقویت ظرفیت این شبکه‌ها و ارتباط دادن آن‌ها با سازمان‌های واسطه‌ای، بازارهای وسیع‌تر و نهادهای عمومی اهمیت بسیار دارد. انجام این امور نیز مستلزم بهبود محیط‌های نهادی و قانونی برای گروه‌های فقیر است. از آن جا که فقرا معمولاً در سطوح محلی سازماندهی می‌شوند، اقداماتی برای تقویت ظرفیت آن‌ها به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت ملی و ایالتی از طریق برقراری ارتباط میان سازمان‌های محلی با سازمان‌های بالاتر ضروری است.

تمایز میان ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی برای درک مسائلی که فقرا با آن مواجهند بسیار با اهمیت است. پیوندهای قوی میان اعضای فامیل، همسایگان، دوستان نزدیک، و وابستگان تجاری را سرمایه اجتماعی ریشه دار می‌خوانند. پیوندهای ضعیف میان افراد با

۱. سرمایه اجتماعی یا مهارت‌های اجتماعی افراد را بسته به آثار خارجی که برای کل اقتصاد دارد می‌توان به مثبت و منفی تقسیم کرد. سرمایه‌های اجتماعی مثبت شبکه‌ای از روابط و مناسبات اجتماعی مانند مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی، پایبندی به مقررات، صداقت، تمایل برای مشارکت و همکاری، ظرفیت حل مناقشات، تحمل و موارد مشابه را شامل می‌گردد. سرمایه اجتماعی با آثار خارجی منفی سرمایه‌ای است که اعضای گروه یا قشری خاص از طریق روابط و مناسبات اجتماعی ویژه از جمله ارتباط با مراکز قدرت برای خود به بهای تحمیل هزینه به افراد دیگر جامعه، فراهم می‌کنند.

زمینه‌های حرفه‌ای و نژادی مختلف را سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده افقی^۱ می‌نامند. این سرمایه اجتماعی متضمن ارتباطات افقی مردم با موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی قابل مقایسه (هم‌تراز) است. سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده عمودی^۲ (سومین بعد) پیوندهای عمودی میان فقرا و گروه‌هایی است که در سازمان‌های رسمی (بانک‌ها، پلیس و غیره) دارای نفوذ هستند. این بعد از سرمایه اجتماعی برای زندگی فقرا دارای اهمیت زیادی است. اعضا جوامع فقیر به دلیل تبعیض یا فقدان منابع از جایگاه‌هایی که تصمیمات اصلی در مورد رفاه آن‌ها در آن جا اتخاذ می‌شود محروم هستند. محققان تشخیص داده‌اند که سرمایه‌های اجتماعی ریشه‌دار و ارتباط دهنده افقی در سازمان‌های محلی هر چند ضروری هستند ولی برای توسعه بلند مدت کافی محسوب نمی‌شوند. به طور مثال، در کنیا بیش از ۲۰۰ هزار گروه مختلف در جوامع روستایی شناسایی شده که ارتباطی با منابع بیرونی نداشته و قادر نبوده‌اند به فقرا برای خروج از فقر یاری دهند. ایجاد سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده عمودی بسیار اساسی و حمایت بیرونی از آن‌ها برای ظهور و تقویت چنین سرمایه‌ای لازم است. حمایت از سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های مذهبی می‌تواند به ایجاد سرمایه اجتماعی و افزایش صدای فقرا و فرصت‌های اقتصادی برای آن‌ها کمک نماید. این حمایت‌ها باید مبتنی بر درک شرایط محلی و اعتمادسازی برای ایجاد مشارکت باشد. به طور مثال یک سازمان غیردولتی در هند به نام میرادا^۳ به عنوان یک نهاد واسطه‌ای میان فقرا و بانک‌های تجاری عمل می‌کند. وظیفه اولیه این سازمان استفاده از سرمایه اجتماعی ریشه‌دار در جوامع روستایی برای ایجاد گروه‌های مدیریت اعتبار است. در طول زمان نیز فدراسیون‌های منطقه‌ای مرکب از نمایندگان هر گروه اعتباری شکل می‌گیرد و بدین ترتیب سرمایه‌های اجتماعی ارتباط دهنده افقی برای گروه‌ها تقویت می‌شود. گروه‌های مدیریت اعتبار عهده‌دار حساب‌ها در بانک‌های تجاری هستند و به تدریج اعتماد و مهارت‌های مورد نیاز را برای مشارکت مستقل در نهادهای رسمی به دست می‌آورند. بنابراین، سرمایه اجتماعی

1. Bridging Social Capital.
2. Linking Social Capital.
3. Myrada.

ارتباط‌دهنده عمودی نیز توسعه می‌یابد. پس از ۵ سال آموزش و تجربه، اعضا گروه قادر به مدیریت این حساب‌ها بدون کمک کارمندان میرادا خواهند بود.

ارتقای امنیت

دستیابی به امنیت بیش‌تر مستلزم درک عمیق‌تر آثار ناامنی بر شرایط و دورنمای زندگی فقرا است. به منظور مصون نگه داشتن فقرا از خطرات تکانه‌های منفی اقتصادی در سطح ملی یا منطقه‌ای مجموعه اقدامات و تدابیر ویژه‌ای را می‌توان اتخاذ نمود که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

استفاده از رویکردهای انفصالی به منظور مدیریت خطرپذیری و کمک به فقرا اقدامات متفاوتی در سطوح دولت، بازار و جامعه برای مقابله با خطراتی که بخش‌های مختلفی از جامعه با آن روبه‌رو هستند باید اتخاذ شود. لازم است مجموعه تدابیری نیز به منظور حمایت از مدیریت ریسک برای جوامع و خانوارها، متناسب بانوع خطر و ظرفیت نهادی کشور پیش‌بینی گردد. برنامه‌های بیمه‌ای در سطح خرد می‌تواند مکمل برنامه‌های اعتباری برای زنان فقیر (همانند طرح SEWA در هند برای زنان فعال در بخش غیررسمی) باشد. طرح‌های اشتغال عمومی را می‌توان در واکنش به تکانه‌های ملی و منطقه‌ای توسعه داد. برنامه‌های غذایی و صندوق‌های اجتماعی برای تأمین مالی پروژه‌هایی که مردم منطقه مشخص می‌کنند و برای مقابله با پیامدهای ناگوار مصائب طبیعی مؤثر هستند.

توسعه برنامه‌های ملی برای جلوگیری از تکانه‌های کلان اقتصادی و واکنش و آمادگی نسبت به آن‌ها

مقابله با آثار تکانه‌های کلان اقتصادی برای خانوارها و جوامع فقیر به خصوص هنگامی که این تکانه‌ها عمیق، مکرر و دائمی هستند بسیار دشوار است. برای مدیریت خطرهای ناشی از تکانه‌های مالی و رابطه مبادله (بازرگانی خارجی) سیاست‌های صحیح در سطح اقتصاد کلان و نظام‌های مالی مستحکم اساسی هستند. همراه با این سیاست‌ها، مدیریت بازکردن

حساب سرمایه به شیوه‌ای احتیاط‌آمیز به منظور کاهش خطرهای ناشی از جریان‌های کوتاه مدت و بی‌ثبات سرمایه خارجی ضروری است. همچنین باید اطمینان حاصل کرد که برنامه‌های اجتماعی و پرداخت‌های انتقالی به گروه‌های هدف که برای فقرا اهمیت ویژه‌ای دارند در دوران رکود که نیاز بیش‌تری به آن‌ها است کاهش نیابد. تورهای ایمنی برای کاهش آثار ادوار تجاری نیز باید دائمی بوده و به هنگام مواجهه کشورها با یک تکانه فعال‌تر شوند. از صندوق مصائب طبیعی^۱ می‌توان برای تأمین مالی هزینه‌های اقدامات مربوط و همچنین برخورداری از فناوری جدید و آموزش مدیریت و ارزیابی بهتر خطر استفاده کرد. سرمایه‌گذاری و اتخاذ ترتیبات بیمه‌ای در دوره‌های عادی منجر به کاهش هزینه‌های شخصی در زمان وقوع مصائب ناگوار طبیعی می‌شوند.

طراحی نظام‌های مدیریت ریسک اجتماعی بدون تهدید رشد اقتصادی

در جهان برای طراحی نظام‌های ملی مدیریت ریسک اجتماعی علاقه بسیاری وجود دارد. چالش اصلی طراحی این نظام‌ها به گونه‌ای است که رقابت‌پذیری محصولات کاهش نیابد و فقرا نیز منتفع شوند. به طور مثال، بیمه‌های بیکاری که انگیزه‌های کار کردن را کاهش نمی‌دهند، بیمه‌های درمانی برای بیماری‌های مصیبت‌باری که منجر به از دست رفتن دارایی‌های خانوار می‌شود (مانند کاستاریکا)، نظام‌هایی که علاوه بر ارائه بیمه برای افراد غیرفقیر تأمین‌کننده بیمه‌های اجتماعی بازنشستگی برای فقرا هستند (مانند شیلی) از جمله این مواردند. اما به منظور برخورداری از منافع کامل چنین طرح‌هایی لازم است ظرفیت‌های نهادی لازم برای مدیریت آن‌ها به نحو مؤثری ایجاد شود.

کاهش جدال‌های داخلی

کشمکش‌های داخلی برای فقرا به شدت مخرب است. حجم عمده این درگیری‌ها در کشورهای فقیر به صورت جنگ‌های داخلی رخ می‌دهد. این جدال‌ها علاوه بر زیان مستقیمی که بر زندگی افراد جامعه وارد می‌سازد، خسارات اجتماعی و اقتصادی عظیمی را

1. Calamity Funds.

ایجاد می‌نماید و میراث ناگواری از لطمات اجتماعی و روانی را به وجود می‌آورد. همان‌طور که بازسازی فوری جوامع پس از چنین درگیری‌هایی ضروری است اتخاذ تمهیداتی برای پیشگیری از آن‌ها نیز به همان اندازه با اهمیت است. تقویت نهادهای کثرت‌گرا، حمایت از حقوق اقلیت‌ها و فراهم آوردن بنیادهای نهادی برای حل صلح‌آمیز منازعات در این خصوص اهمیت بسیاری دارد. برقراری تعامل میان گروه‌های مختلف از طریق نهادهای سیاسی و غیرنظامی مشارکت‌جو و فراگیر به منظور پیشگیری از این تضادها بسیار مؤثر است. چنانچه کشورها بتوانند در مسیر توسعه اقتصادی فراگیر قرار گیرند، آن‌ها از امکانات بالقوه لازم برای خروج از دور معیوب برخوردار می‌شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Pluralist.